

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه کافرون (جله دوم)

نقم مفهومی استاد اخوت ۹۴/۴/۶

موضوعاتی که در حوزه پژوهش می توان در این سوره به آن پرداخت:

۱. روش احتجاج، برائت، موضعگیری، نحوه تکلم
  ۲. موضع عبودیت، تعریف، قوانین، انواع، اخلاص در عبودیت
  ۳. کفر، تعریف، ارتباط با دین و عبودیت، اقسام، کفر و شرک
- کفر این سوره خاص است و مربوط به مشرکین است. مخاطبش، مخاطب خاص است و در المیزان آمده که منظور از کافرین همه کافرون نیستند، منظور کافرانی است که با پیامبر سازگار نبودند و مشرکین قریش بودند.
۴. رابطه بین دین، عبودیت و کفر، روش شناسی معنا شناسی کلمات
  ۵. موضوع بلاغت ← محذوفات + خطاب و مواجهه + تأکیدات (نقش ضمیر در تاکید) + اشتقاق (صرف کلمه
  ۶. شاکله

نکاتی از سوره با رویکرد شاکله :

بیان مواضع کفار		بیان مواضع پیامبر	
عبودیت در پیامبر	عبودیت در کافران	عبودیت در کافران	عبودیت در پیامبر
مَا أَعْبُدُ	وَلَا أَنْتُمْ عِبَادُونَ	مَا تَعْبُدُونَ	لَا أَعْبُدُ
مَا أَعْبُدُ	وَلَا أَنْتُمْ عِبَادُونَ	مَا عَبَدْتُمْ <b>ضهسه</b>	وَلَا أَنَا عَابِدٌ
لا اله الا الله لَكُمْ دِينُكُمْ		لا اله الا الله وَلِي دِينِ	

در مورد پیامبر فعل، فاعل و اسم صفت مفرد آمده است (اعبد، عابد) که وحدت معبود + اسوه بودن عبودیت پیامبر برای مومنین است و این خیلی نکته مهمی است که پیامبر خودش را با مومنین یکی دانسته، در واقع این امر خداست که یکی بداند. این نشان می دهد که جمع به وحدت رسید است (احتجاج) برای مسلمانان تلنگری است که اگر جمعشان به وحدت نرسیده، کاری بکنند که برسد.

اخلاص در عبودیت ثابت می شود برای پیامبر. به نسبت نزدیک شدن و قرب به پیامبر، انسانها در توحید خالص می شوند.

سوره کافرون ولایت و زعامت پیامبر در توحید را در عالم ثابت می کند.

اگر انسان قرب داشت نسبت به پیامبر صلی الله و علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام ، اما توحید او قوی نشد، این قرب توهم است یعنی به نسبت قرب به پیامبر اخلاص در عبودیت در فرد تقویت می شود.

در مورد کافران جمع آمده است. (تعبدون، عبدتم، عابدون) عدم وحدت معبودها برای کافران، جمع متشیت است یعنی کثرت در معبود وجود دارد و معبودان مشترکین گذشته، حال و آینده پیدا می کند. (زمان دادن به معبود)

قل ابراز و موضعگیری است. اوامر به پیامبر که انجام می شود و جنبه اجتماعی دارد، اوامر به همه مردم از طریق مطاوعت با پیامبر است.

اعبد (مثبت)	در هر لحظه	در آینده
عابد (مثبت)	بلازمان	ثبوت در زمان های سه گانه
عابدون (منفی)	بلازمان	ثبوت در زمان های سه گانه
تعبدون (منفی)	در هر لحظه	در آینده
عبدتم (منفی)	تثبیت شده به وسیله زمان	در گذشته

کاری که پیامبر با این سوره کرده است: نفی ابد در عبودیت غیر خداست که در معنای لا اله الا الله است. یعنی اثبات انفراد در عبودیت خالصانه خداست.

جمع بندی:

عبودیت ناظر به پرستش است و در مقابل معبود یا معبودها (اله یا الهه) مطرح است.

عبودیت باید آن طرفش الوهیت باشد. الوهیت محرک و رفع نیاز است.

در الوهیت، یک دلدادگی و نیاز (به رزق و امنیت) وجود دارد که این دو به سمت یک حیرت می رود به این خاطر که یا خیلی دوستش می دارند و یا این که نسبت به او احساس ضعف می کنند.

در الوهیت برای انسان از خارج نفس او یک محرک برای رفع نیازش تدارک دیده می شود.

در الوهیت مجموعه ای از بایدها و نبایدها در زندگی فرد جاری می شود. مجموعه اوامر و نواهی از دل الهه درمی آید.

اساس عبودیت تن دادن و تسلیم در برابر اوامر و نواهی است.

خاستگاه اوامر و نواهی مربوط به خالق و مالک مخلوق است یعنی لازمه امر و نهی از جانب کسی داشتن مالکیت مطلق او نسبت به مامور به و منهی عنه است.

هرجایی که در قرآن بحث مالکیت آمد به دلالت بر انحصار اوامر و نواهی به خدا اشاره دارد.

امر: هرگونه محدودی که مخلوق لابد به آن است

نهی: ایجاب و سلب

همه اوامر و نواهی جاری بر انسان جاری و ثابت است امام متناسب با شرایط در معرض آنها قرار می‌گیرد و متناسب با بسترها انواع و اقسام پیدا می‌کنند.

اگر کسی اوامر و نواهی از پیش ساخته داشته باشد و در لحظه جاری نباشد، این اوامر و نواهی جاری نیست.

واژه عبد در ۲۵۱ آیه از قرآن آمده است.

بقره ۲۱: عبودیت با خلق شدن ارتباط دارد، چون خدا ما را خلق کرده، تنها باید از او عبودیت کنیم. چنین عبودیتی مسیر تقوا و دلیل تقوا است.

بقره ۸۳: انحصار عبودیت تنها از آن خداست.

بقره ۱۷۲: عبودیت منشا سایر اوامر و نواهی است.

بقره ۱۸۶: ارتباط عبودیت با دعا.

آل عمران ۵۱: عبودیت منحصر خدا معادل و صراط مستقیم قلمداد شده است و دلیل آن ربوبیت خداوند است.

مائده ۶۰: عبودیت طاغوت عامل ضلالت به بدترین شکل است.

مائده ۷۲: عبودیت غیر خدا معادل شرک دانسته شده است و عامل حرام شدن بهشت بر او می‌شود. همچنین چنین فردی ظالم شمرده شده است و باب نصرت بر او بسته می‌شود.

مائده ۷۶: بدست آوردن نفع و دور شدن از ضرر عامل عبودیت است. موضوع مالکیت نفع و ضرر در عبودیت خداوند بسیار اهمیت دارد.

انعام ۵۶: تبعیت از غیر خدا که عبودیت آنها به شمار می‌رود معادل هواپرستی (بدون مینا) است. ضلالت در قرآن به طور مستقیم با عبودیت غیر خدا مرتبط است.

یکی از واژه‌های محکم قرآن «عبد» است.

انعام ۱۰۲: همه مولفه‌های مربوط به عبودیت را داراست. دلایل صرف عبودیت خدا را ربط به لا اله الا هو می‌دهد.

اعراف ۷۰: عبودیت غیر خدا انسان را به سمت عذاب می‌کشاند. نوعا عبودیت غیر خدا در بستر فرهنگ‌های عمومی جاری می‌شود و مجال را برای عبودیت طاغوت فراهم می‌کند. (عبدتم)

علت عدم خلاقیت عبودیت غیر خداست.

عبودیت وابسته به لحظه است و وابسته به گذشته نیست.

شرط فراهم شدن عبودیت خدا این است که یک رسول و کتابی داشته باشید که زمان بردار نباشد. وقتی سیستم عبودیت از زمان خارج شود معیار خلاقیت است و لذا عباد استاد خلاقیت در عبادت هستند.

اغلب انحرافات که برای جوامع بوجود آمد، خلاقیت در اوامر و نواهی (بدعت) است.

انواع شاکله: شاکله عبدی، شاکله خلقی (صفات)

شاکله عبدی: به هر حال امر و نهی انسان را محدود می‌کند و او را در یک چهارچوبی قرار می‌دهد.

شاکله عبدی سوار بر شاکله خلقی می‌شود. (آیه ۱ تا ۳ عبس)

اعراف ۸۵: دلیل عبودیت خدا این است که الهی غیر او وجود ندارد و همین امر باعث ارسال اوامر و نواهی الله است.

تبعیت بی‌چون و چرا اسمش سجده است و گاهی با یک نگاهی هم همراه است رکوع می‌شود. افعالی مثل قیام، رکوع و سجده بر اساس اطاعت از اوامر و نواهی معنا پیدا می‌کند. قیام قبل از امر و نهی، پذیرش عملی رکوع می‌شود و سجده یعنی این که بدون چون و چرا امر را انجام دادن.

عبودیت در واژگان متعددی صرف می‌شود و اگر بتوانید صرفش کنید یک خانواده واژه پیدا می‌کنید که این خانواده واژه تعیین کننده شاکله عبدی انسان است.

انسان در هر شرایطی که باشد فقط کافی است که عقل تکلیف داشته باشد، از طریق شنیدن اوامر و نواهی خدا به بالاترین درجه قرب خدا دست پیدا می‌کند و شاکله خلقی او هیچ‌گونه محدودیتی برای ایجاد نمی‌کند. دلیلش این است که شاکله عبدی، عبد را به بی‌نهایت متصل می‌کند و محدودیت شاکله خلقی اصلا حساب نمی‌آید.

شاكلة خلقی موضوع تعیین می کند، شاكلة عقلی حکم تعیین می کند و هر کسی به نسبت شاكلة عقلی اش حکم تعریف می کند.

حکم تحت هیچ شرایطی تغییر نمی کند بلکه موضوع آن می تواند تغییر کند.

توبه ۳۱: ربوبیت را با الوهیت و بحث شرک مطرح می کند.

یونس ۱۰۴: برای جمع بندی سوره کافرون این آیه خیلی مهم است.

هود ۲: عبودیت خدا ثمره و یا خود احکام و تفصیل آیات است.

هود ۱۰۹: مریه آفت و آسیب مهمی در عبودیت است.

مریه فرآیند فرار از عبودیت است. یک نوع شک که برای این که انسان نخواهد چیزی را نپذیرد دائما در رفت و آمد است. فرآیند به شک افتادن است.

سوره مبارکه انعام برای درست شدن زیرساخت عبودیت به طور جامع و کامل، یک نرم افزار کامل نصب می کند.

موضوع عبودیت پذیرش حکم هایی است که بر موضوعات بار می شوند. عبد خدا کسی که حکم، اوامر و نواهی را از خدا می گیرد. خاستگاه حکم بشر نیست، کاشف حکم بشر است.

نحل ۳۶: سرباز از عبودیت خدا سبب حتمیت در ضلالت می شود. دستور به سیر در زمین جهت رویت کسانی که در ضلالت قطعی به سر می برند.

بعثت رسول در هر امتی به خاطر عبودیت خدا و اجتناب از طاغوت بوده است. دین عابدانه توحیدی امتی را می سازد که همگی موحدند و دین عابدانه غیر توحیدی امتی را می سازد که همه کافرند و این دو در یک جا جمع نمی شوند. طبق سوره مبارکه کافرون بایستی اعتقاد ما این باشد که دین رسول خدا در همه عالم جاری شود تا امت واحده تشکیل شود.

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات